



## ۱۲۰۱ معاونت پژوهش

سرشناسه:	بسطامی، حسن، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور:	آن سوی خاطرات (۲۵۰ خاطره از سفر به ۲۵ کشور جهان) / مؤلف حسن بسطامی.
مشخصات ظاهری:	۶۲۳ ص.
مرجع تولید:	معاونت پژوهش
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۲۹-۱۱۵-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه .
یادداشت:	چاپ دوم: ۱۳۹۶ (فیبا).
یادداشت:	چاپ سوم: ۱۳۹۹ (فیبا).
موضوع:	بسطامی، حسن، ۱۳۴۰ - - - خاطرات
موضوع:	طلاب - - ایران - - خاطرات
موضوع:	Iran -- Diaries -- Islamic seminarians
رده بندی کنگره:	۱۳۹۵ آ/۷/ BP۲۵۴
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۶۵۶
شماره کتابشناسی ملی:	۴۵۰۳۳۴۹

## حق چاپ برای ناشر محفوظ است

آن سوی خاطرات (۲۵۰ خاطره از سفر به ۲۵ کشور جهان)

مؤلف: حسن بسطامی

چاپ سوم: ۱۳۹۹ ش / ۱۴۴۱ ق

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۷۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

## مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجنتیه)، نیش کوچه ۱۸؛

تلفن: ۳۷۸۳۶۱۳۴ ۲۵ ۹۸+ تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۳۷۸۳۹۳۰۵ - ۲۵

◀ ایران، قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۲۵

✉ miup@pub.miu.ac.ir    🌐 http://buy-pub.miu.ac.ir    📧 pub\_almustafa

با تشکر از دست‌اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

- مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت
- مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری
- ناظر فنی: علی عبادی فرد
- ناظر گرافیک: مسعود مهدوی
- ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

هرگونه نسخه برداری اعم از کپی برداری و بازنویسی و انتشار، اسکن، ذخیره کامپیوتری، ترجمه به زبان‌های دیگر و ساخت فایل صوتی کتاب، بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع، شرعاً حرام و از طریق مراجع قانونی، قابل پیگیری است.

# آن سوی خاطرات (۲۵۰ خاطره از سفر به ۲۵ کشور جهان)

حسن بسطامی



مرکز بین المللی  
ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

## سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فراروی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای بندی به دین و سنت در مدیریت همه جانبه کشورها بسیار چالش برانگیز می‌نماید. از این رو مطالعات و پژوهش‌های به روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی & و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

اثر حاضر با عنوان «آن سوی خاطرات» به قلم فاضل گرامی جناب آقای حسن بسطامی (تشیّع) که از دانش‌آموختگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشد، کوششی است در به ثمر رساندن بخشی از این اهداف متعالی. در پایان لازم می‌دانیم تلاش تمامی عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده‌ی خویش بهره‌مند گردانند.

## فهرست اجمالی



سخن ناشر / ۱۵

به جای مقدمه / ۱۸

بخش اول / برخی از ویژگی‌های مبلغان خارج از کشور / ۲۵

بخش دوم / خاطراتی در تقریب بین مذاهب اسلامی / ۲۶۹

بخش سوم / نگاهی نو به ادیان توحیدی و آیین بشری / ۳۴۷

بخش چهارم / گسترش دین اسلام در عنایت به انواع زبان‌ها / ۳۷۵

بخش پنجم / فرصتی در محضر قرآن کریم / ۴۱۳

بخش ششم / محرم و عاشورا در دیگر کشورها / ۴۳۹

بخش هفتم / دین‌داران بی‌شریعت! / ۴۹۱

بخش هشتم / آشنایی با برخی از مراکز آموزشی در کشورها / ۵۵۵

## فهرست تفصیلی



۲۵	<b>بخش اول / برخی از ویژگی‌های مبلغان خارج از کشور</b>
۲۶	<b>فصل اول - شجاعت و نهراسیدن از تهدیدها و جوسازی‌ها</b>
۲۸	۱۱. استقامت تا تثبیت مذهب جعفری!
۳۰	۱۲. شهامت حمایت از رهبری که غروب ندارد!
۳۱	۱۳. ناامنی در شهر سائوپائولو
۳۳	۱۴. نهراسیدن از انجام وظیفه
۳۵	۱۵. در تونس مرا به قتل تهدید کردند!
۴۱	۱۶. بزرگ‌مردی از تبار ابراهیم
۴۴	۱۷. شهادت؛ پاداش دنیایی مجاهدان فی سبیل الله
۴۶	۱۸. مرا نیز بازداشت کردند!
۵۰	۱۹. مأمورین صدام مراقب ما بودند یا مواظب ما؟!
۵۴	۱۰. زبان گویای انقلاب اسلامی در شبه قاره
۵۸	۱۱. شیخ سکندر حسین؛ شخصیتی شجاع و استوار
۶۰	۱۲. نهراسیدن از تبلیغات مسموم دشمنان
۶۲	<b>فصل دوم - مصمم بودن، سخت کوشیدن و تحمل کردن مشکلات</b>
۶۴	۱۳. حضور در تبعیدگاه امام خمینی در بورسا
۶۶	۱۴. زندگی در مناطق محروم
۶۷	۱۵. عزمی راسخ برای انجام وظیفه
۶۹	۱۶. هجرت در سن یازده سالگی
۷۲	۱۷. زنی که مردانه مقاومت کرد!
۷۳	۱۸. تحمل رنج دوری از خانواده
۷۶	۱۹. کیفیت پذیرایی میزبانان
۷۷	۲۰. باز هم حمام صحرائی!
۸۰	۲۱. عزیمت به ۱۸ شهر و روستا طی ۱۵ روز!
۸۲	۲۲. تحمل تنهایی‌ها در غربت!
۸۴	۲۳. تهیه‌ی غذای مناسب و حلال!
۹۱	۲۴. مشکلات اجاره‌ی منزل در غربت!



- ۹۳ ❖ ۲۵ ❖ بازدید از ۲۶ مدرسه‌ی علمیه طی ۵ روز!
- فصل سوم - شناخت دقیق منطقه و روحیات مردم**
- ۱۰۰ ❖ ۲۶ ❖ آموزش توأمان پسران و دختران
- ۱۰۲ ❖ ۲۷ ❖ خون دادن بجای قمه‌زدن
- ۱۰۳ ❖ ۲۸ ❖ دختر دادن به غیر سادات
- ۱۰۴ ❖ ۲۹ ❖ افطار روزه بر فراز منبر!
- ۱۰۶ ❖ ۳۰ ❖ دسته‌های گل با اسکناس رویه
- ۱۰۷ ❖ ۳۱ ❖ جانبداری ترکیه از ایران یا از آمریکا
- ۱۰۹ ❖ ۳۲ ❖ شب تاسوعا جمع‌بندی مباحث آزمون!
- ۱۱۰ ❖ ۳۳ ❖ سنگال؛ سرشار از عقیده به دعا
- ۱۱۱ ❖ ۳۴ ❖ برازلیا؛ پایتختی گران‌قیمت
- فصل چهارم - حضور مستمر تبلیغی در میان مردم**
- ۱۱۸ ❖ ۳۵ ❖ ما شیعه نمی‌شویم؟!
- ۱۱۸ ❖ ۳۶ ❖ چرا شیعیان مسجد می‌سازند؟!
- ۱۱۹ ❖ ۳۷ ❖ شیعیانی که دست‌بسته نماز می‌خواندند!
- ۱۲۱ ❖ ۳۸ ❖ جشن سالگرد انقلاب تونس
- ۱۲۶ ❖ ۳۹ ❖ اهمیت ازدواج طلاب با طالبات!
- ۱۲۷ ❖ ۴۰ ❖ مراکز مذهبی در جزیره‌ی زنگبار
- ۱۳۰ ❖ ۴۱ ❖ ماهواره مهم‌تر از آب، برق، راه، بهداشت و امنیت!؟
- ۱۳۴ ❖ ۴۲ ❖ من از مسجد و محراب بیزار شدم!؟
- ۱۳۵ ❖ ۴۳ ❖ جلسه‌ی فرهنگی در رزیدانس سفیر ج.ا.ا.
- ۱۳۷ ❖ ۴۴ ❖ اهتمام به سنت جشن عمامه‌گذاری
- ۱۴۱ ❖ ۴۵ ❖ تحکیم حزب الله لبنان در سایه‌ی حضور مستمر روحانیون
- ۳۴۱ ❖ ۴۶ ❖ خداوند مرا به حضور نپذیرفته است!
- ۱۴۵ ❖ ۴۷ ❖ نهالی که بطور مستمر نیازمند مری می‌باشد
- فصل پنجم - فعالیت در راستای نیاز مردم منطقه**
- ۱۵۱ ❖ ۴۸ ❖ تأسیس مدارس غیرانتفاعی
- ۱۵۲ ❖ ۴۹ ❖ دارالایتام امام علی<sup>(ع)</sup>
- ۱۵۵ ❖ ۵۰ ❖ مدرسه‌ی اسلامی - برزلی در سائوپائولو
- ۱۵۷ ❖ ۵۱ ❖ تأسیس مثلثی از میم!
- ۱۵۹ ❖ ۵۲ ❖ از تبلیغات فرهنگی تا تأسیس حوزه‌ی علمیه!





- ۱۶۱ ❖ ۵۳ ❖ پرورش جواهراتی گران‌بهاء در تفلیس!
- ۱۶۵ ❖ ۵۴ ❖ تأسیس یک مرکز تربیت معلم در بورکینافاسو
- ۱۶۷ ❖ ۵۵ ❖ نجف اشرف در کشور سنگال!
- ۱۶۹ ❖ ۵۶ ❖ تدبیری نو برای اشتغال فارغ‌التحصیلان
- ۱۷۰ ❖ ۵۷ ❖ تثبیت هویت شیعی در تانزانیا
- ۱۷۲ ❖ ۵۸ ❖ مساوات اسلامی در مسجد خوجه‌ها!
- ۱۷۴ ❖ ۵۹ ❖ نیاز روستاهای کشور به حوزه‌ی علمیه!
- ۱۷۶ ❖ ۶۰ ❖ ضرورت پرورش مبلغ و روحانی بومی
- ۱۷۸ ❖ فصل ششم - پرهیز از گرایش‌های قومی و ملیتی**
- ۱۸۰ ❖ ۶۱ ❖ شیعیان بیهاری و بنگالی
- ۱۸۱ ❖ ۶۲ ❖ مسلمانان عرب در برزیل
- ۱۸۲ ❖ ۶۳ ❖ مسلمانان اردوزبان در میانمار
- ۱۸۲ ❖ ۶۴ ❖ شیعیان خوجه و بومی در افریقا
- ۱۸۴ ❖ فصل هفتم - مبارزه با خرافات، بدعت‌ها و شبه‌افکنی‌ها**
- ۱۸۶ ❖ ۶۵ ❖ شهادت ثالثه
- ۱۸۷ ❖ ۶۶ ❖ اغراق در تعریف و تمجید
- ۱۸۸ ❖ ۶۷ ❖ تفسیر غلطی از سینه‌زنی و زنجیرزنی
- ۱۸۹ ❖ ۶۸ ❖ ازدواج سادات با غیرسادات ممنوع!
- ۱۹۱ ❖ ۶۹ ❖ چرا برخی از مردان زدن زنان را واجب می‌دانند؟
- ۱۹۶ ❖ فصل هشتم - استفاده‌ی بیهیبه از فرصت‌ها و امکانات**
- ۱۹۸ ❖ ۷۰ ❖ تغییر کاربری کلیسا به مسجد
- ۱۹۹ ❖ ۷۱ ❖ برزیل؛ تبلیغات دینی و سیّار!
- ۲۰۲ ❖ ۷۲ ❖ تبدیل مقبره به مدرسه!
- ۲۰۳ ❖ ۷۳ ❖ بهره‌برداری از حکم سنگسار سکینه خانم!
- ۲۰۴ ❖ ۷۴ ❖ ایراد سخنرانی در فرصت‌های ممکن
- ۲۰۶ ❖ ۷۵ ❖ سربازان خوش‌نام امام زمان (عج)
- ۲۰۷ ❖ ۷۶ ❖ پرهیز از هدر رفتن امکانات فرهنگی و تبلیغی
- ۲۰۹ ❖ ۷۷ ❖ کوری‌تیا و فرصت تبلیغ در یکشنبه‌بازار
- ۲۱۱ ❖ ۷۸ ❖ گسترش مدارس علمیه‌ی خواهران در پاکستان
- ۲۱۳ ❖ ۷۹ ❖ معرفی اسلام در دانشگاه ماهیدول
- ۲۱۴ ❖ ۸۰ ❖ تأسیس مسجد روح‌الله در تایلند







- ۲۱۵ ❖ ۸۱ ❖ عدو شود سبب خیر گر خدا خواهد!
- ۲۱۸ ❖ ۸۲ ❖ فرهنگ ایرانی خیلی بهتر است!
- ۲۱۹ ❖ ۸۳ ❖ شیرخون به جای شیرموز!
- ۲۲۳ ❖ ۸۴ ❖ بریدن سر گوسفند یا سر ذابح؟! ❖
- ۲۲۲ ❖ **فصل نهم - پرهیز جدی از گرفتاری در دام شهوات:**
- ۲۲۹ ❖ ۸۵ ❖ گرفتار آمدن در دام شهوات جنسی!
- ۲۳۰ ❖ ۸۶ ❖ از قم تا فوز!
- ۲۳۲ ❖ ۸۷ ❖ مشارکت در جشن‌های مردمی یا کارنوال‌های فسادبرانگیز!
- ۲۳۵ ❖ ۸۸ ❖ صرفه‌جویی اختیاری در انتخاب هتل!
- ۲۳۸ ❖ ۸۹ ❖ من فقط با بلیط بیزینس کلاس پرواز می‌کنم!
- ۲۴۰ ❖ ۹۰ ❖ شستشوی برخی از لباس‌هایم در هتل
- ۲۴۱ ❖ ۹۱ ❖ دوری از گناه حتی در عرصه‌ی مجازی
- ۳۴۲ ❖ ۹۲ ❖ پارادوکس ثروت و عزت در صنعت توریسم!
- ۲۴۷ ❖ **فصل دهم - توجه به زیبایی و شکوه مراکز دینی و آموزشی**
- ۲۴۹ ❖ ۹۳ ❖ فیصل مسجد در اسلام‌آباد
- ۲۵۰ ❖ ۹۴ ❖ مسجد بیت المکرم در بنگلادش
- ۲۵۱ ❖ ۹۵ ❖ حسینه‌ی خوجه‌ها در کراچی
- ۲۵۱ ❖ ۹۶ ❖ حوزه‌ی علمیه‌ی خاتم‌النبین (ص) در کابل
- ۲۵۳ ❖ ۹۷ ❖ تدبیر و اراده‌ی بشری در خدمت عقاید جاهلانه
- ۲۵۶ ❖ ۹۸ ❖ کلیسای سامبا در گرجستان
- ۲۵۷ ❖ ۹۹ ❖ معبد شدوگان در میانمار
- ۲۵۹ ❖ ۱۰۰ ❖ مسجد محمد امین در بیروت
- ۲۶۰ ❖ ۱۰۱ ❖ مسجد سلطان احمد در استانبول
- ۲۶۲ ❖ ۱۰۲ ❖ پادشاهی مسجد؛ عبادتگاهی کم‌نظیر
- ۲۶۶ ❖ ۱۰۳ ❖ اماکن مقدس و تاریخی؛ حفظ یا تخریب و تجدید آن‌ها
- ۲۶۹ ❖ **بخش دوم / خاطراتی در تقریب بین مذاهب اسلامی**
- ۲۷۲ ❖ ۱۰۴ ❖ مشارکت در نماز جمعه‌ی مرکز اسلامی سالوادور
- ۵۷۲ ❖ ۱۰۵ ❖ حتا یک جمله‌ی اختلاف‌برانگیز!
- ۶۷۲ ❖ ۱۰۶ ❖ قبول هدیه از مشرکین
- ۲۷۷ ❖ ۱۰۷ ❖ نماد وحدت در مساجد ترکیه
- ۲۷۸ ❖ ۱۰۸ ❖ احساسات حضرت علی (ع)!





- ۲۷۹ ❖ ۱۰۹ نذری اهل سنت در روز عاشورا!
- ۲۸۰ ❖ ۱۱۰ عدم ممانعت از دسته‌ی عزاداری
- ۲۸۱ ❖ ۱۱۱ زیارت در آرامگاه گنج‌بخش
- ۲۸۲ ❖ ۱۱۲ گرامی داشت نهم ماه ربیع از سوی استعمار انگلیس!
- ۲۸۳ ❖ ۱۱۳ شیعه و سنی هم‌سنگران دوران جهاد!
- ۲۸۵ ❖ ۱۱۴ تجلیل مفتی اهل سنت از سیدالشهداء(ع)
- ۲۸۶ ❖ ۱۱۵ بازدید از جامعه‌ی سلفی دعوه الحق
- ۲۸۸ ❖ ۱۱۶ نماز جمعه‌ی مشترک در کوریتیا
- ۲۹۰ ❖ ۱۱۷ آیا شیعیان صحابه‌ی پیامبر را سبّ می‌کنند؟!
- ۲۹۲ ❖ ۱۱۸ المکتبه الشامله در تونس
- ۲۹۳ ❖ ۱۱۹ در منزل امام جمعه‌ی فوزدوایگواسوا
- ۲۹۵ ❖ ۱۲۰ ملاقات با رئیس دانشگاه زیتونه
- ۲۹۷ ❖ ۱۲۱ برخی از شعائر کاذب مذهبی
- ۳۰۰ ❖ ۱۲۲ کوبیدن بر طبل تفرقه؟!
- ۳۰۲ ❖ ۱۲۳ میثاق علمای تونس
- ۵۰۳ ❖ ۱۲۴ اگر شیعه در تونس گسترش یابد!
- ۳۰۸ ❖ ۱۲۵ جهادالنکاح؛ تقویت روحیه‌ی جنگ‌جویان؟!
- ۳۱۱ ❖ ۱۲۶ کدام کشته شهید محسوب می‌گردد؟!
- ۳۱۴ ❖ ۱۲۷ برای گسترش دوستی اذنی مناسبت کافی است!
- ۳۱۶ ❖ ۱۲۸ شیعه و سنی، فدای حفظ اسلام!
- ۳۱۹ ❖ ۱۲۹ گوشه‌هایی از ایمان و معرفت در آذربایجان
- ۳۲۴ ❖ ۱۳۰ ذکری برای تقویت اراده!
- ۳۲۶ ❖ ۱۳۱ اسلام بوکو حرامی؛ نه اسلام شیعی است و نه سنی؟!
- ۳۲۸ ❖ ۱۳۲ توفیق نجات؛ توسل به اولیای الهی
- ۳۳۱ ❖ ۱۳۳ شهید جوزان، زیارتگاه مشترک شیعه و سنی
- ۳۳۵ ❖ ۱۳۴ چه کسانی نگران وحدت اسلامی هستند؟!
- ۳۳۶ ❖ ۱۳۵ جشن‌های مولدالنبی؛ شعائر الهی یا بدعتی در دین!
- ۳۳۹ ❖ ۱۳۶ تحمل رفتار عبادی سایر مسلمانان
- ۳۴۰ ❖ ۱۳۷ آیا صعود به غار حرا بدعت است؟!
- ۳۴۳ ❖ ۱۳۸ مرقدی وحدت‌آفرین در ساحل دریای عرب





## بخش سوم / نگاهی نو به ادیان توحیدی و آیین بشری:

- ۳۴۷  
۳۴۹  
۳۵۱  
۳۵۳  
۳۵۵  
۳۵۶  
۳۶۰  
۳۶۴  
۳۶۵  
۳۶۷  
۳۶۹  
۳۷۳
- ۱۳۹۱ حضور صهیونیست‌ها در این کلیسا ممنوع!
  - ۱۴۰۱ قیام بردگان مسلمان در باهیا!
  - ۱۴۱۱ بازدید از معبد طلایی بودا
  - ۱۴۲۱ مرکز بین‌المللی مطالعات اسلام و مسیحیت
  - ۱۴۳۱ شهری با پنجاه کلیسا و یک مسجد!
  - ۱۴۴۱ تأسیس دانشگاه اسلامی غنا
  - ۱۴۵۱ دعا در کلیسا، نماز در مسجد!
  - ۱۴۶۱ برادری ادیان و مذاهب در دارالسلام
  - ۱۴۷۱ تانزانیا؛ اجتماع تکثر اقوام و تنوع ادیان
  - ۱۴۸۱ تخت جمشیدی در افریقا!
  - ۱۴۹۱ سیده لبنان؛ عبادتگاه مسیحیان و زیارتگاه مسلمانان

## بخش چهارم / گسترش دین اسلام در عنایت به انواع زبان‌ها

۳۷۵

### فصل اول - توجه به زبان مردم منطقه

- ۳۷۷  
۳۷۹  
۳۸۰  
۳۸۱  
۳۸۲
- ۱۵۰۱ ترجمه‌ی قرآن کریم به زبان گرجی
  - ۱۵۱۱ ترجمه‌ی متون اسلامی و شیعی به زبان بنگالی
  - ۱۵۲۱ ترجمه‌ی منابع اسلامی و شیعی به زبان پرتغالی
  - ۱۵۳۱ ترجمه‌ی منابع معتدل دینی به زبان پشتون

### فصل دوم - کارآمدی زبان‌های مختلف دنیا در گسترش اسلام

- ۳۸۴  
۳۸۵  
۳۸۷
- ۱۵۴۱ چگونه فرهنگ ناب اسلامی گسترش می‌یابد؟
  - ۱۵۵۱ زبان انگلیسی؛ ابزاری کارآمد در گسترش تعلیم اسلام

### فصل سوم - وضعیت زبان فارسی در دیگر کشورها

- ۳۹۰  
۳۹۲  
۳۹۲  
۳۹۴  
۳۹۶  
۳۹۹  
۴۰۰  
۴۰۲  
۴۰۴
- ۱۵۶۱ آموزش خط نستعلیق در تونس
  - ۱۵۷۱ ضرورت گسترش زبان فارسی در قرقیزستان
  - ۱۵۸۱ اشعار فارسی در محله‌ی مورچگان
  - ۱۵۹۱ فارسی‌ستیزی دولت آذربایجان
  - ۱۶۰۱ آثاری از زبان فارسی در قبرستان یانگون
  - ۱۶۱۱ اقبال لاهوری و اهتمام به زبان فارسی
  - ۱۶۲۱ طلاب اندونزی؛ در دوراهی زبان فارسی یا عربی!
  - ۱۶۳۱ زبان فارسی در دانشگاه آرابائیف





- ۴۰۴ ♦ ۱۶۴ زبان دوم در دانشگاه‌های تفلیس  
 ۴۰۶ ♦ ۱۶۵ اشتیاق به زبان فارسی در آفریقا!  
 ۴۰۷ ♦ ۱۶۶ دعای امام سجاد برای جزیره‌ی زنگبار  
 ۴۱۱ ♦ فصل چهارم - خدمتی بزرگ به زبان فارسی:

### ۴۱۳ بخش پنجم / فرصتی در محضر قرآن کریم

- ۴۱۵ ♦ ۱۶۷ نوری که در آذربایجان ابدی خواهد ماند!  
 ۴۱۶ ♦ ۱۶۸ شب نزول قرآن در استانبول  
 ۴۱۸ ♦ ۱۶۹ شب قدر، شب نزول قرآن بر قلب مومن!  
 ۴۲۰ ♦ ۱۷۰ استانبول؛ تاسیس مرکز آموزش و تحقیقات قرآن  
 ۴۲۰ ♦ ۱۷۱ حضور قرآن در جوار معبد طلایی بودا  
 ۴۲۳ ♦ ۱۷۲ امت پیامبر هیچ‌گاه مستغی از قرآن کریم نمی‌باشد!  
 ۴۲۴ ♦ ۱۷۳ برگزاری نمایشگاه خط قرآن کریم در اندونزی  
 ۴۲۵ ♦ ۱۷۴ قرآن کریم اصلی‌ترین عامل وحدت میان مسلمانان  
 ۴۲۶ ♦ ۱۷۵ فعالیت رژیم اشغالگر قدس در کشور حافظان قرآن!  
 ۴۲۷ ♦ ۱۷۶ مدرسه‌القران در هرات  
 ۴۲۹ ♦ ۱۷۷ بانوان شیعه؛ پیشناز در حفظ قرآن کریم  
 ۴۳۱ ♦ ۱۷۸ تصحیح نگاه اهل سنت ترکیه به شیعیان  
 ۴۳۲ ♦ ۱۷۹ در سرزمین وحی ورود قرآن ممنوع!  
 ۴۳۴ ♦ ۱۸۰ عشقی وصف ناپذیر در تهیه‌ی بزرگ‌ترین مصحف شریف

### ۴۳۹ بخش ششم / محرم و عاشورا در دیگر کشورها

- ۴۴۲ ♦ ۱۸۱ عزاداری با آتش در پاکستان  
 ۴۴۳ ♦ ۱۸۲ دوری از رفاهیات در محرم  
 ۴۴۳ ♦ ۱۸۳ منزل پدر؛ بهترین مکان برای عزاداری پسر!  
 ۴۴۶ ♦ ۱۸۴ تیغ‌زنی بجای زنجیرزنی!  
 ۴۴۷ ♦ ۱۸۵ عاشورای شهر بزرگ کراچی  
 ۴۵۰ ♦ ۱۸۶ بنیان‌گذاری مراسم عاشورا در ازبکستان  
 ۴۵۱ ♦ ۱۸۷ اسلام عرفانی در بنگلادش  
 ۴۵۲ ♦ ۱۸۸ عزاداری شیعیان در سائوپائولو  
 ۴۵۴ ♦ ۱۸۹ آیا امام حسین (ع) فقط برای شیعیان است یا برای انسانیت؟  
 ۴۵۶ ♦ ۱۹۰ شرکت در مراسم مخفیانه‌ی اربعین حسینی در تونس  
 ۹۵۴ ♦ ۱۹۱ عاشورا روز عید یا روز حُزن؟!





- ۴۶۱ ❖ ۱۹۲ ❖ اربعین حسینی در جزیره‌ی زنگبار  
 ۴۶۳ ❖ ۱۹۳ ❖ کابل؛ بانک خون امام حسین (ع)  
 ۴۶۵ ❖ ۱۹۴ ❖ عزاداری عاشورا در اجتماع اهل سنت!  
 ۴۶۷ ❖ ۱۹۵ ❖ مشارکت شیعه و سنی در عزاداری تپه‌سلام  
 ۴۶۹ ❖ ۱۹۶ ❖ در افغانستان علم حضرت عباس نباید روی زمین بماند!  
 ۴۷۲ ❖ ۱۹۷ ❖ عاشورای خونین در پوهنتون کابل؟!  
 ۴۷۵ ❖ ۱۹۸ ❖ عاشورای زینیه!  
 ۴۷۷ ❖ ۱۹۹ ❖ مراسم عاشورا در سرزمین شام!  
 ۴۸۰ ❖ ۲۰۰ ❖ قصر یزید؛ حرم دیگری برای امام حسین (ع)  
 ۴۸۳ ❖ ۲۰۱ ❖ کمپین مردمی "حسین کیست"؟!  
 ۴۸۴ ❖ ۲۰۲ ❖ جرأت قسم خوردن در حرم حضرت عباس (ع)

### بخش هفتم / دین‌داران بی‌شریعت!

#### فصل اول - عدم اهتمام به ظواهر شریعت:

- ۳۹۴ ❖ ۲۰۳ ❖ ذبح شرعی در بیشکک  
 ۴۹۴ ❖ ۲۰۴ ❖ روزه‌داران بی‌حجاب!  
 ۴۹۴ ❖ ۲۰۵ ❖ برزیلی‌ها با دین خوب کنار آمده‌اند؟!  
 ۴۹۶ ❖ ۲۰۶ ❖ مسلمان برزیلی شده؟!  
 ۴۹۹ ❖ ۲۰۷ ❖ حاکمیت شریعت بر ذبح گاو!  
 ۵۰۱ ❖ ۲۰۸ ❖ در برزیل گوشت مُدْکَا گران‌تر از غیر مُدْکَاست!  
 ۵۰۳ ❖ ۲۰۹ ❖ تشابه فرهنگی ایران و برزیل؟!  
 ۵۰۵ ❖ ۲۱۰ ❖ روبروسی زن و مرد نامحرم با یکدیگر!  
 ۵۰۷ ❖ ۲۱۱ ❖ شریعت، قربانی واقعی عید قربان!  
 ۵۱۰ ❖ ۲۱۲ ❖ نامزدهای ۱۲ ساله؟!  
 ۵۱۳ ❖ ۲۱۳ ❖ "أد الفرض و انقب الأرض!"  
 ۵۱۴ ❖ ۲۱۴ ❖ شریعت در سن جوانی و نوجوانی بی‌معناست!  
 ۵۱۶ ❖ ۲۱۵ ❖ ده سالگی سیگار؛ چهارده سالگی مشروب!  
 ۵۱۸ ❖ ۲۱۶ ❖ زنان و مردان؛ در زیارتگاه جدا و در ساحل دریا با هم!  
 ۵۲۲ ❖ ۲۱۷ ❖ صخره‌ی روشه؛ قاتل عشاق!  
 ۵۲۴ ❖ ۲۱۸ ❖ لبنان؛ مهد ازدواج سپید  
 ۵۲۶ ❖ ۲۱۹ ❖ استحباب شراب‌خواری در کنار جنازه‌ی میت!  
 ۵۲۸ ❖ ۲۲۰ ❖ مذهبی‌ترین شهر دنیا؟!  
 ۵۳۰





### فصل دوم- وضعیت حجاب و عفاف در کشورهای اسلامی

- ۵۳۳  
 ۵۳۴ ❖ ۲۲۱❖ فقدان ایدئولوژی پس از فروپاشی کمونیسم  
 ۵۳۵ ❖ ۲۲۲❖ مراسم دعا و جشن حجاب  
 ۵۳۶ ❖ ۲۲۳❖ اسلام‌ستیزی شوروی در آذربایجان  
 ۵۳۸ ❖ ۲۲۴❖ اندر حکایت حجاب در یک کشور اسلامی!  
 ۵۳۸ ❖ ۲۲۵❖ حجاب هندی در اندونزی!  
 ۵۳۹ ❖ ۲۲۶❖ حجاب اسلامی در افغانستان  
 ۵۴۰ ❖ ۲۲۷❖ بی‌حجابی در غرب؛ آرایش در شرق!  
 ۵۴۲ ❖ ۲۲۸❖ مگر بانوان علوی تکلیفی برای حجاب ندارند؟!  
 ۵۴۵ ❖ ۲۲۹❖ ورود زنان به مسجد با بدن لخت!  
 ۵۴۷ ❖ ۲۳۰❖ هواپیما محل مناسبی برای پرو لباس!  
 ۵۴۹ **فصل سوم- سرنوشت فرزندان مسلمانان در برزیل**

### بخش هشتم/ آشنایی با برخی از مراکز آموزشی در کشورها

- ۵۵۵  
 ۵۵۸ ❖ ۲۳۱❖ مدرسه‌ی ممتاز اسماعیلیه  
 ۵۵۸ ❖ ۲۳۲❖ مرکز آموزشی مسیحی در قلب یک کشور اسلامی!  
 ۵۵۹ ❖ ۲۳۳❖ مدارس علوم دینی بنگلادش  
 ۵۶۱ ❖ ۲۳۴❖ برگزاری کرسی درس ادیان شرقی در آمریکای لاتین  
 ۵۶۵ ❖ ۲۳۵❖ بازدید از جامعه‌الزیتونه  
 ۵۶۶ ❖ ۲۳۶❖ ارائه‌ی آموزش‌های اسلامی در جامع‌الزیتونه  
 ۵۷۰ ❖ ۲۳۷❖ آشنایی با برخی از دانشگاه‌های تونس  
 ۵۷۵ ❖ ۲۳۸❖ بازدید از کتاب‌خانه‌ی ملی تونس  
 ۵۷۶ ❖ ۲۳۹❖ مدرسه‌ی دختر مسلمان!  
 ۵۷۹ ❖ ۲۴۰❖ مُناس؛ رستم قرقیزستان!  
 ۵۸۰ ❖ ۲۴۱❖ دبیرستان ۴۰۶۰ دلاری!  
 ۵۸۲ ❖ ۲۴۲❖ لاگوس؛ شهر فرهنگ و سرقت!  
 ۵۸۳ ❖ ۲۴۳❖ از بیجینگ تا ایبجان!  
 ۵۸۵ ❖ ۲۴۴❖ دانشگاه اسلامی سای  
 ۵۸۷ ❖ ۲۴۵❖ برای دقایق کمک‌خلبان شدم!  
 ۵۹۰ ❖ ۲۴۶❖ تعطیل عمومی کشور به علت ۶/۶؟!  
 ۵۹۳ ❖ ۲۴۷❖ حوزه‌ی علمیه‌ی قم‌سیتی!  
 ۵۹۴ ❖ ۲۴۸❖ دهکده‌ی آموزشی ویپاس  
 ۵۹۵ ❖ ۲۴۹❖ سازمان بلال مسلم میشن  
 ۵۹۷ ❖ ۲۵۰❖ صعود به قله‌ی کالیمانجارو!





## سخن نویسنده

خاطره‌نویسی شیوه‌ای برای زنده نگه داشتن تجربه‌ها و خاطرات یک ملت است تا هم‌چون چراغی فراروی آفرینش‌های هنری و ادبی نسل‌های آینده قرار گیرد. در ادبیات فارسی خاطره‌نویسی به مفهوم کنونی آن، از اواسط دوران قاجار به دلیل رویارویی ایرانیان با غرب و آشنایی با فرهنگ و ادبیات اروپایی‌ها شکل گرفت و به ویژه سیاستمداران از آن بخوبی استقبال کردند. در دوره‌ی پهلوی نیز بیش از گذشته بدین گونه‌ی ادبی توجه شایسته‌ای بعمل آمد.

هم‌چنین بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، مجلات، کتاب‌ها و روزنامه‌ها پر از خاطرات مردم از رویدادهای آن زمان گردید. با پایان یافتن جنگ تحمیلی و دفاع مقدس نیز فصل نوینی از خاطره‌نویسی در این مرز و بوم آغاز گردید و خاطرات ایزاری برای بیان آرمان‌ها و اهداف رزمندگان اسلام، فضا و شرایط حاکم بر جبهه‌ها و مشکلات و دشواری‌های جنگ شدند.

اینک به نظر می‌رسد چنان‌چه خاطره‌نویسی به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود و صرفاً مختص به رجال مشهور سیاسی نگردد، آن‌گاه متوجه خواهیم شد که چه زمینه‌ی فرهنگی ارزشمندی را برای توسعه و پیشرفت اجتماعی تدارک دیده‌ایم. امروزه با توجه به آثار گران‌قدری هم‌چون سفرنامه‌ی ناصر خسرو قبادیانی، سفرنامه‌ی ابن بطوطه و یا سفرنامه‌ی مارکوپولو اطلاعات بی‌نظیری در باب شیوه‌ی زیستن انسان‌ها و هم‌چنین طرز تفکر آنان نسبت به زندگی در زمان‌های گذشته به‌دست می‌آید. با توجه به دستاوردهای عظیم





تاریخی، مذهبی، ادبی و اجتماعی هر کدام از این آثار می‌توان به اهمیت این چنین انواع ادبی پی برد.

خاطره‌نویسی را نمی‌توان از سفرنامه‌نویسی جدا کرد. رابطه‌ی زندگی‌نامه و خاطره‌نگاشته و هم‌چنین رابطه‌ی سفرنامه و خاطره‌نگاشته، رابطه‌ی عموم و خصوص است. نوشتن خاطرات در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های شغلی و خانوادگی نیز امکان‌پذیر است. نوشتن خاطرات و سفرنامه‌ها عمری طولانی دارد و به نظر راهی درست برای انتقال تجربیات و یافته‌ها از نسلی به نسل دیگر می‌باشد.

گرچه برای خاطره، تعریف‌های زیادی صورت گرفته است لیکن مهم‌ترین و جامع‌ترین آن‌ها این است که گفته شود خاطره، بازنویسی صحنه‌ها و وقایع مهمی است که نویسنده خود آن‌ها را مشاهده یا تجربه کرده است. به عبارت دیگر خاطره، یکی از انواع ادبی و گونه‌ای از نوشتار است که نویسنده در آن، صحنه‌ها یا وقایعی که در زندگی‌اش روی داده و در آنها نقش داشته یا شاهدشان بوده است را شرح می‌دهد.

خاطره‌نویسی یکی از عام‌ترین و صمیمانه‌ترین راه‌ها برای انتقال حس به وسیله‌ی نوشتن است و هرکس می‌تواند با رعایت اصولی ساده و قواعدی محدود، به ساده‌ترین شکل، اتفاقات مهم زندگی خود را ثبت کند و خاطرات تلخ و شیرین زندگی هم‌چون پیروزی‌ها و شکست‌ها، تجربیات تکرار ناشدنی، حوادث مهم و عواطف و احساسات را ماندگار نماید.

اصولا خاطره‌نویسی و خاطره‌خوانی از جذاب‌ترین ژانرها می‌باشد. هدف از خاطره‌نویسی این است که بر زوایای تاریک تاریخ نور می‌اندازد و آن را روشن‌تر و در دسترس‌تر می‌کند و هم‌چنین امکان تجربه‌آموزی مستقیم را به دیگران می‌دهد. یکی از منابع اصلی رازگشایی تاریخ صدسال گذشته‌ی کشور متمدن ما، دقت در خاطرات و سفرنامه‌ها و مطابقت دادن وقایع با یکدیگر







است. خاطره‌خوانی و خاطره‌نویسی برای ارتقای مدیریت، سیاست، اقتصاد و فرهنگ لازم و ضروری است و بدین سبب این ژانر می‌باید جدی گرفته شده و تقویت شود.





## به جای مقدمه:

در آغاز سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ در حالی که تنها شانزده بهار را پشت سر گذارده بودم به مدرسه‌ی علمیه‌ی آیه‌الله مجتهدی<sup>(ع)</sup> که آن زمان به مدرسه‌ی علمیه‌ی ملامحمد جعفر ملقب بود، وارد شدم تا رسماً طلبه شوم و به تحصیل دروس حوزه اهتمام ورزم. حضرت استاد همواره نصایح و خاطراتی از دوران طلبگی خویش و نیز از اساتید بزرگوارش برایمان تعریف می‌کرد و تأکید می‌نمود که آن‌ها را یادداشت کنیم تا بعدها برای خود و اطرافیان مان بکار آید، اما آن روزها ما جوانی خام بودیم و اهمیت خاطره‌نگاری را درک نمی‌کردیم و به همین خاطر به توصیه‌های استاد ترتیب اثر ندادیم!

هنوز چند صباحی بیش، از آغاز طلبگی مان نگذشته بود که با شهادت مرحوم آیه‌الله سیدمصطفی خمینی<sup>(ع)</sup> شعله‌های انقلاب اسلامی بخصوص در تهران زبانه کشید و ما که سرمان درد می‌کرد برای شور و هیجان و انقلاب، در صحنه‌های مختلف نهضت حضور پیدا کردیم ولی دریغ از این که یک خط خاطره از این ایام حساس و پرخاطره بنگاریم؟! چون هنوز خام بودیم و بی‌تجربه!

درست زمانی که می‌خواستیم در حوزه قد بکشیم و پای درس لمعه و اصول فقه حاضر شویم، از زمین و آسمان بر کشور عزیزمان حمله کردند و انقلاب شکوهمندمان را هدف گرفتند! ما نیز بارها در جبهه‌های حق علیه باطل حاضر شدیم و در کنار جوانان عزیزمان گاه منبر رفتیم و گاه جنگیدیم اما باز تنها کاری را که از آن شانه خالی کردیم، نوشتن خاطراتی از رشادت و غیرت و ایمان و مظلومیت جوانانی بود که در نزدیکی ما در خون خود غوطه‌ور





شدند و آه نگفتند!!

در همین اثنا بود که در اداره‌ی مدرسه‌ی علمیه‌ی آیه‌الله مجتهدی با تشکیل یک شورای مدیریتی ایفای نقش کردم. سپس به خوزستان رحل اقامت بردم و مدیر و مدرس مدرسه‌ی علمیه‌ی مسجدسلیمان شدم و از این رهگذر خاطرات تلخ و شیرینی را تجربه کردم و یادداشت‌هایی در سر رسیدهایم نوشتم، ولی در عین حال به تنها چیزی که نمی‌اندیشیدم نگارش و تدوین خاطراتم بود! گرچه هنوز در این دوران جوان بودم و بیست و پنج بهار را بیشتر شاهد نشده بودم اما این بار ننوشتن از سر خامی و جوانی نبود بلکه گمان می‌کردم کار وقت‌گیر و بی‌فایده‌ای است و معلوم نیست که چه زمانی بکار آید و چه کسی طالب آن باشد!

پس از رحلت جانگداز بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی مرحوم امام خمینی<sup>(ره)</sup> که متأسفانه از آن حادثه‌ی اسفناک هم خاطره‌ای ننوشتم، به عنوان نماینده‌ی طلاب و فضایی تهرانی طی دو دوره در مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ایفای نقش نموده و به هیئت رئیسه‌ی آن راه یافتم، و این بار سعی وافری بکار بستم و مطالب سودمندی را در باره‌ی حوزه و ضرورت اصلاحاتی در آن نگارش کردم و برای یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آن ایام فرستادم ولی مقبول نیافتاد و منتشر نگردید و مرا در این گمان که این‌گونه کارها وقت‌گیر و بی‌فایده‌ست، تأیید نمود!

طی همین سال‌ها در ایام تبلیغی ماه محرم و ماه مبارک رمضان و حتی در فصل تابستان که درس‌های حوزه‌ی علمیه‌ی قم تعطیل می‌شدند، به بسیاری از استان‌ها و شهرها و نیز به برخی از روستاهای کشور سفر کردم و ضمن ایفای نقش به‌عنوان یک مبلغ دینی، از میان آداب و رسوم مختلف مردم چیزهای فراوانی را آموختم اما انگیزه‌ای برای نوشتن آن‌ها نداشتم و فایده‌ای





را بر آن مترتب نمی‌دیدم! گرچه باید اعتراف کنم که بی‌برنامه‌گی و تنبلی نیز مزید بر علت بود که اکنون چاره‌ای جز تأسف و اندوه برای آن ندارم.

البته چون به نویسندگی علاقه‌مند بوده و هستم، بجای صرف وقت برای نوشتن خاطرات به نگارش مقالاتی پیرامون انقلاب اسلامی و برخی از رخداد‌های مهم آن همت گماردم که بسیاری از آن‌ها در فصلنامه‌هایی که در این خصوص انتشار می‌یافتند، چاپ و منتشر گردیدند.

ناگفته نماند که پس از گذشت سال‌ها، چندی پیش مسئولان مدرسه‌ی علمیه‌ی مسجد سلیمان تصمیم گرفتند تا مراسم بزرگداشتی را برای حوزه و مسئولان پیشین آن برگزار نمایند و در این راستا از بنده و سایر مدیران و اساتید پیشین درخواست نمودند تا خاطرات خود را در قالب انجام مصاحبه یا نگارش، تحویل دهند تا در مجموعه‌ای تدوین شده و انتشار یابد.

در این هنگام بعلت فرصتی که برایم میان دو مأموریت پیش آمده بود؛ یعنی از مأموریت سوریه بازگشته بودم و هنوز به مأموریت برزیل نرفته بودم، با استفاده از سرسیدیهایی که در آن زمان‌ها، یادداشت‌هایم را در آن‌ها نوشته بودم، اقدام به نگارش خاطراتم نموده و در نهایت حدود ۱۵۰ صفحه‌ی رقیعی و تایپ‌شده تهیه و تحویل دادم. اما این بار نیز به علت آن‌که حجم مطالب زیاد شده بود و آنان در نظر داشتند از هرکس تنها مطالب اندکی را دریافت نمایند و در یک مجموعه منتشر کنند، از چاپ خاطرات بنده صرف‌نظر کردند و در بی‌انگیزه‌تر کردن من در عدم نگارش خاطرات نقش بسزایی را ایفا نمودند؟! خدا خیرشان دهد!

شاید به همین خاطر طی سال‌های پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ که به تهران می‌رفتم و در دانشگاه تدریس می‌کردم و حوادث بیشماری را از نزدیک شاهد بودم، دیگر همت نکردم تا خاطره‌ای را نگارش کنم و امیدی کاذب به





چاپ و نشر آن داشته باشم؟! و باز هم شاید به همین علت بود علیرغم این که طی افزون بر بیست سال حدود سی بار به حج و عمره به عنوان روحانی کاروان مشرف شدم، باز هم از نوشتن خاطرات بسیارم طفره رفتم و به روی مبارک هم نیاوردم!

تا این که دست تقدیر مرا به سفرهایی بدان سوی آب‌ها کشانید و این بار نه به عنوان نگارش خاطره و بلکه به عنوان گزارش سفر و یک وظیفه‌ی سازمانی به نگارش فعالیت‌ها و برنامه‌های سفرهایم اهتمام ورزیدم. برای بنده که ایام تبلیغی دهه‌ی شصت را عمدتاً به حضور در مناطق جنگی و مرزی گذرانده بودم، و در دهه‌ی هفتاد توفیق تبلیغ در شهرها و روستاهای کشورمان را پیدا کرده بودم، فرصت مغتنمی بود تا دهه‌ی هشتاد را به حضور در بیست و پنج کشور اسلامی و غیراسلامی سپری کنم و تجربیات فراوانی را از این رهگذر اندوخته نمایم.

اما در عین حال هیچ برنامه و انگیزه‌ای برای تدوین و انتشار گزارش سفرهایم نداشتم. زیرا گزارش‌هایی را که از سفرهای مختلف تهیه کرده‌ام برخی مطالبش محرمانه است و در سطح عموم قابل انتشار نمی‌باشد، و برخی دیگر در خصوص مسائل خاص یک مرکز آموزشی یا پژوهشی است و برای عموم نمی‌تواند مفید باشد، و بخش سوم را اخبار و گزارش‌هایی شامل می‌شود که تاریخ استفاده از آن‌ها گذشته است و برای روزگار کنونی ما بکار نخواهد آمد!

تا این که دهه‌ی نود فرا رسید و بنده در سال‌های پایانی دهه‌ی هشتاد و در کنار مسئولیت‌هایی که برعهده داشتم در صدد پاسخ‌گویی به یک شوق دیرینه برآمدم و وقت بسیاری را در مطالعه و نگارش رمان اختصاص دادم. البته سفارش‌ها و تأکیدات مقام معظم رهبری نسبت به اهمیت رمان و جایگاه



هنر که در مواقع مختلفی اظهار می‌داشتند، در این مهم بی‌تأثیر نبود! از این رو به نحوی تلاش کردم تا جبران مافات نموده و خاطرات نانوشته‌ام را به طریقی نوشته نمایم! بر این اساس در تدوین برخی از رمان‌هایم از خاطرات سه دهه‌ی گذشته مایه گرفتم و تاکنون سه مجموعه آماده نموده‌ام که در واقع تلفیقی از رمان و خاطره شده است! به همین خاطر همواره نگرانم تا مبادا رمان‌نویسان عزیز، این مجموعه‌ها را تنها روایت‌گری و خاطره‌نگاری قلمداد نمایند و نه رمان، و خاطره‌نویسان و روایت‌گران گرامی، آن‌ها را تنها در دائره‌ی رمان قابل ارزیابی بدانند و نه خاطره‌نگاری؟!

تاکنون از این سه مجموعه تنها یکی با عنوان «فرستی دوباره» انتشار یافته است که در آن از خاطرات مختلف تبلیغی بخصوص از مسجد محله‌مان و از نوبت‌هایی که در اعتکاف حضور داشته‌ام بهره گرفته‌ام. هم‌چنین در نگارش رمان «آسمان شب چهارشنبه» از خاطرات سال‌های حضور برای تدریس در دانشگاه و نیز برخی از برنامه‌هایی که در مسجد مقدس جمکران داشتم، استفاده کرده‌ام. و در نگارش رمان «میقات نخستین» از خاطرات سفرهای حج و عمره بهره‌ی وافر برده‌ام.

قصه روزگار گذشت تا این‌که در تابستان سال ۱۳۹۴ برنامه‌ی «نخستین جشنواره‌ی خاطره‌نگاری اشراق» ویژه‌ی ثبت، تدوین و انتشار خاطرات تبلیغی طلاب و فضلالی حوزه‌های علمیه اعلام گردید. چندی بعد دبیر محترم این جشنواره جناب آقای اکبری دیزگاه که از پیشینه‌ی بنده نسبت به نویسندگی و سفرهای خارج از کشور اطلاع داشت، تماس گرفت و بر ضرورت مشارکت در این فعالیت فرهنگی - هنری و نیز استفاده‌ی بهینه از فرصت به‌وجودآمده برای نشر خاطرات و تجربیات سفرهای خارجی تأکید نمود.

نخست برای جناب ایشان توضیح دادم که بنده در سفرهای متعددی که





به کشورهای مختلف داشته‌ام خاطره‌نویسی نکرده‌ام تا از این فرصت برای نشر آن‌ها استفاده نمایم، بلکه گزارش سفر نوشته‌ام که برخی از مطالبش قابل نشر نمی‌باشد و برخی دیگر نیز معلوم نیست تا چه پایه‌ای بتواند برای عموم مردم مفید باشد. اما ایشان اظهار داشت بالاخره در میان صدها صفحه یادداشت از کشورهای مختلف، دویست سیصد صفحه مطالب سودمند و قابل انتشار یافت می‌شود!

و این چنین شد که «یا علی» گفتم و مطالعه‌ی حدود سه هزار صفحه از گزارش‌های سفرهایم آغاز شد! سپس بر اساس بخش‌های هشت‌گانه‌ای که در فهرست کتاب ملاحظه می‌کنید، مطالب مرتبط و سودمند را استخراج کردم و آن‌گاه به تدوین و یکسان‌سازی آن اهتمام ورزیدم.

گرچه سعی کرده‌ام خاطراتم متنوع و از تمامی کشورهایایی باشد که بدان‌ها سفر داشته‌ام لیکن از سه کشوری که مدت بیشتری در آن‌ها اقامت داشته‌ام کمتر نوشته‌ام زیرا در نظر دارم برای هر کدام از این سه کشور خاطرات مستقلی را تدوین و ارائه نمایم. این کشورها سوریه، افغانستان و تونس را شامل می‌شود و امیدوارم فرصت یابم و بتوانم در این خصوص نیز مطالب سودمند و تازه‌ای را تقدیم نمایم.

اینک آرزو می‌کنم که توانسته باشم بخشی از دین خود را در این عرصه ادا کرده و در قبال وقتی که خوانندگان محترم صرف مطالعه‌ی این خاطرات می‌نمایند نکات ارزشمندی را در اختیارشان گذاشته باشم. البته مطالعه‌ی این خاطرات شما را از رفتن بدین کشورها مستغنی نمی‌نماید بلکه موجب می‌شود تا چنانچه گذرتان بدان‌ها افتاد با آگاهی و دورنمایی که به‌دست آورده‌اید از سفرتان بیشتر و بهتر استفاده کنید.

لازم به یادآوری است که در این خاطرات از اشخاص زیادی به مناسبت‌های





مختلف یاد کرده‌ام و بدیهی است که نام بردن از آنان به معنای تأیید تمامی افکار و رفتار اجتماعی و سیاسی آنان نمی‌باشد.

ناگفته نماند که در تاریخ ۱۲ اسفند سال ۱۳۹۴ مراسم اختتامیه‌ی جشنواره‌ی خاطره‌نگاری اشراق به همت مرکز فرهنگی و هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم برگزار گردید و بر اساس گزارش دبیر جشنواره ۴۱۰ اثر رسیده بدان مورد ارزیابی اولیه قرار گرفتند و از میان آن‌ها ۷۰ اثر به داوری نهایی راه یافتند. سپس هیئت داوران ۱۸ اثر را از میان این آثار بعنوان اثر برگزیده و شایسته‌ی تقدیر معرفی نموده و مورد تجلیل قرار داد که بحمدالله خاطرات این‌جانب در بخش سفرنامه بعنوان رتبه‌ی دوم برگزیده گردید.



با آرزوی کامیابی و سرافرازی

بهار ۱۳۹۵ - قم - حسن بسطامی